

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

اصل مقاله

1- معارف تاریخی و نقش آن در زندگی بشر:

انسانی را در نظر بگیرید که در گذرگاه پریپچ و خم و تاریک مجبور به پیشروی می باشد. لکن باو گفته و آموخته اند که در جای جای این گذرگاه خطرناک کلیدهایی وجود دارد که او می تواند با شناسائی و کنترل و فشار دادن آنها چراغهای متعددی را روشن ساخته و به آسانی راه مقصود را در پیش بگیرد و از خطرات احتمالی این راه پر پیچ و تاریک خود را نجات دهد. و اگر این کار را انجام ندهد نه تنها موفقیت در پیشروی خود را تضمین نکرده بلکه به یقین در یکی از همین پیچ و خمها سقوط کرده و به هلاکت خواهد رسید.

آیاگر این شخص از کوشش برای کشف و شناسائی کلید این چراغها خودداری کرده و در تاریکی کامل راه پیمائی کند خردمندان به او چه خواهند گفت؟ آیا او را یک فرد نادان بیمار و بی بهره از خرد و شعور معرفی خواهند کرد؟ بدیهی است بطور مسلم چنین خواهد بود که همگان کار او را تقبیح خواهند کرد.

رابطه جوامع بشری با [تاریخ] نیز بطور دقیق همینگونه است. مسیری که بشر الزاما در گذشته های دور در تجربه زندگی فردی و اجتماعی خود پیموده و در حال حاضر و آینده های دور و نزدیک نیز مجبوره بیمودن آن می باشد در مجموع [تاریخ] نام دارد که به مثابه یک رودخانه مهار نشدنی در بستر زمان جاری است و یا همچون یک گذرگاه پیچ و خم دار و تاریک در جاری زمان گسترده است.

عابر این رودخانه و گذرگاه تاریک انسان و جوامع بشری است. چراغهایی که در جای جای این گذرگاه خطرناک نصب شده است همان قوانین و سنتهای الهی است که تاریخ براساس آنها شکل می گیرد و حرکت می کند. کلیدهای ناشناخته این چراغها نیز همانا [علم تاریخ] و یا به تعبیر بهتر و گویاتر [معارف و علوم تاریخی] است.

بشر امروز در طی مسیر زندگی فردی و اجتماعی خود باید به جوامع پیشین تاریخ توجه کند و زندگی آنها و علل و عوامل رشد و انحطاطشان را بشناسد. و از مجموع این مسائل در زندگی امروز خود بهره برداری کند و یا به تعبیر زیبای خداوند در قرآن مجید [از آنها عبرت بگیرد]. 1 و در سمایه بیان دوزد تا تجربه های آنان را تکرار نکند و در پرتگاههایی که برخی از آن جوامع گناهکار و منحرف در آن سقوط کرده و نابود شدند نه غلند که سرانجام چنین کاری دچار شدن به [عذاب و یاس] الهی و گرفتاری در زیر تازیانه های [تدمیر] اوست. 2.

خداوند در قرآن مجید درباره ارزش توجه به تاریخ و سرگذشت ملت های پیشین و پند و عبرتی که می توان از آنها در زندگی امروز گرفت چنین فرموده است:

ولقد جالهم من الانبياء ما فيه مزد جر حکمه بالفه. فما تغن النذر فتول عنهم ... 3

[در قرآن از اخبار و تاریخ پیشینیان گزارشهای زیادی آمده است که اگر معاندین پندپذیر بودند برای بازداشتشان از گناه و گمراهی کافی بود اخبار قرآن حکمت رسا و درس آموزنده ای است لکن معاندین لجوج از سرگذشت و اخبار گذشتگان عبرت نمی گیرند و گوش به هشدارها و اندازها فرا نمی دهند. توای پیغمبر! از این گروه خود سر و تربیت ناپذیر اعراض کن.]

خداوند بزرگ در جای دیگر قرآن می فرماید:

[اولم یسیروا فی الارض فیظنروا کیف کان عاقبه الذین من قبلهم کانواشد منهم قوه واثاروالارض و عمروها اکثر مما عمروها و جانتهم رسلهم بالبینات فما کان الل لیظلمهم ولکن کانوافسهم یظلمون]. 74

[چرا مردم در روی زمین گشت و تفحص نمی کنند و در تاریخ ملتهای پیشین بدقت نمی نگرند تا دریابند چگونه شد سرانجام کار آنانکه پیش از آنها بودند و بمراتب توان و نیروی بیشتر از آنها داشتند آنان چهره زمین را دگرسان ساخته و آن را بسی آباد نمودند بیش از آنچه که نسلهای بعدی آباد کردند لکن وقتی پیامبران خدا با حجتها و براهین قطعی بسوی آنان مبعوث شدند آنان به خویشتن خویش ستم روا داشته و به راهنماییهای پیامبران اعتناء نکردند پس خدا نابودشان کرد خداوند به آنها ظلم نکرد آنان به خود ستم کردند]

امیرالمومنین علی (ع) نیز خطاب به فرزندش حسن (ع) می فرماید:

[برای امور واقع نشده با آنچه واقع شده است استدلال کن و با مطالعه قضایای تحقق یافته حوادث یافت نشده را پیش بینی کن زیرا امور جاری جهان همانند یکدیگرند. از آن اشخاص نباشد که موعظه سودش ندهد مگر توام با آزار و رنج باشد زیرا انسان عاقل باید از راه اندیشه و آموزش پند پذیرد این بهائم و چار پایان هستند که جز با کتک تربیت نمی شوند]. 5

آن بزرگ مرد تاریخ باز هم در جای دیگری از این وصیتنامه درباره اهمیت و ارزشمندی آگاهی از تاریخ امتهای پیشین و کارائی آن در حل مشکلات کنونی چنین فرموده است :

[ای فرزند من ! گر چه عمر من همزمان با عمر گذشتگان نبوده است ولی در کارهای آنان نظرافکنده و در تاریخ شان بدقت اندیشیده ام و در آثارشان سیر و تفحص نموده ام تا جائیه از کثرت آگاهی های تاریخی نسبت بانان مانند یکی از آنان به حساب می آیم . اخباری را که از گذشتگاه دریافت کرده ام بقدری مرا بوضع آنان آگاه ساخته که گوئی شخصا با اولین تا آخرین آنها زندگی کرده ام و جریان امورشان را از نزدیک شاهد بوده ام ! بر اثر تعمق در تاریخ آنان روشنی و تیرگی را شناختم و سود و زیان اعمال شان را تشخیص دادم آنگاه مجموع آگاهی های تاریخی خود را غربال کردم آنچه که مفید و آموزنده بود در اختیار تو گذاردم و تنها مطالب زیبا و دلپذیر وقایع را برای تو برگزیدم و ذهنت را از قضایای مجهول و بی فائده که اثر خارجی ندارد بر کنار نگاه داشتیم 6].

امام علی [ع] در جمله کوتاه و پرمعنای دیگری درباره تاریخ باز هم فرموده است :

الایام تفید التجارب . 7

یعنی: [توجه به حوادث روزگار انسان را از تجربه های گوناگون برخوردار می سازد].

با توجه به این مطالب می باشد که در می یابیم که [مباح] دانستن مطالعه و آموزشها تاریخی از نظر دلیل سست پایه و سطحی می باشد. 8

چرا که از متن این آیات شریفه و فرمایشات مولی علی (ع) چنین بدست می آید که در تاریخ و اخبار گذشتگان حکمتها و عبرتهای رسا و پندهای رهگشای فراوانی وجود دارد که نسلهای بعدی بشر بمنظور هدایت یابی خود در زندگی لازم است از آنها استفاده کنند. امیرالمومنین [ع] خود به عنوان یک امام و رهبر توجه به تاریخ چکیده آگاهیهای تاریخی خود را در اختیار فرزند بزرگوارش امام حسن [ع] می گذارد و بدینوسیله سیره و روش خود را درباره کیفیت برخورد با علم تاریخ برای مسلمین روشن می گرداند

کمترین مطلبی که از این سیره علوی [ع] - با توجه به روایات و آیات متعدد دیگر در این زمینه - بدست می آید روشن شدن ضرورت و وجوب کفایی پرداختن به علم تاریخ جهت عبرت آموزی و تجربه اندوزی برای جامعه اسلامی می باشد.

بنابراین آموزش علم تاریخ با وجود این همه فوائد و مرحجات از حالت [مباح] بودن در می آید و عنوان لازم و ضروری به خود می گیرد. بویژه در عصر کنونی که تاریخ حربه ای است در دست کفر جهانی برای تحریف واقعیات زندگی بشر و مقابله با آرمان توحید و خداپرستی . روی همین جهت می باشد که رهبرانقلاب اسلامی و رمج مسلمین جهان امام خمینی مدظله العالی در زمان ما پرداختن به علم تاریخ بویژه اهتمام به ضبط و نگارش تاریخ معاصر و حوادث انقلاب اسلامی را کاری [لازم] و ضروری معرفی کرده و می فرماید :

لازم است برای بیداری نسلهای آینده و جلوگیری از غلط نویسی مغرضان نویسندگان متعدد با دقت تمام به بررسی دقیق تاریخ نهضت اسلامی بپردازند. روشن شدن مبارزات اصیل اسلامی در ایران از ابتدای انعقاد نطفه اش تا کنون و رویدادهایی که در آینده اتفاق افتد از مسائل مهمی است که باید نویسندگان و عالمان متفکر و متعهد بدان بپردازند.

[درست آنچه امروز برای ما روشن و واضح است برای نسلهای آینده مبهم می باشد و تاریخ روشنگر نسلهای آینده است. امروز قلمهای مسموم در صدد تحریف واقعیات هستند باید نویسندگان امین این قلمها را بشکنند]. 9

آیه الله العظمی منتظری نیز که یکی دیگر از فقهای بنام عالم تشیع هستند توجه ویژه ای به ضرورت آموزش تاریخ و تاریخ اسلام و انقلاب اسلامی دارند. روی همین اصل است که به پیشنهاد و امرايشان کرسی تاریخ در مدرسه تخصصی حوزه علمیه قم پی ریزی شده است.

بخشی از سخنان معظم له درباره ارزش علم تاریخ و ضرورت به معارف تاریخی چنین است:

چنانچه شما زحمت نکشید و تاریخ را ضبط و حفظ نکنید آن وقت دروغهای شاخدار عناصر صهیونیست و ابرقدرتها ملاک تاریخ آینده می شود. بنابراین تاریخی از سازنده باشد برای نسل آینده ما این را باید بدست خود پایه گذاری کنیم.

هر چقدر زحمت بکشید کمک به علم است. و بدانید که مورد لطف خدا خواهید بود: الاوان الله یحب بغاه العلم شماره تاریخ نویسان اسلام و انقلاب نیز بغات علم هستید علم شعبی دارد تاریخ آموزنده و سازنده خودش علم است. 10

امام امت یاز هم در مقام از ریابی میراث تاریخی گذشته و ضرورت پرداختن به تاریخنگاری در حال حاضر چنین فرموده است:

تاریخ مع الاسف در گذشته به دست دشمن نوشته شده است امید است که نگذارید تاریخ این نهضت را نیز دشمن بنویسد. 11

دانشمند تلاشگر و نستوه مرحوم علامه عبدالحسین احمدامینی صاحب [الغدیر] نیز ضمن مقدمه ای که بر آن کتاب شریف زده هیچ انسان متمدنی را از آموزش تاریخ و مراجعه به برخیز شاخه ها و شعبه های آن بی نیاز نمی داند. از حکام و سیاستمداران گرفته تا علماء اخلاق مربیان ادباء شعرا مفسران قرآن و فقهاء همه و همه نیازمند بهره برداری از خوان گسترده و پر برکت علم تاریخ می باشند. 12

بنابراین از دیدگاه اسلام [تاریخ] دانش بسیار ارزشمندی می باشد که پرداخت به آن و تعلیم و ترویجش ضرورت دارد بویژه که تاریخ اسلام و مسلمین که حتما باید آن را خود مسلمانان با ایمان آگاه و صادق بنویسند تا دچار آفت جعل و تعریف نشود.

اصولا علم تاریخ (با توجه به شاخه ها و شعوب مختلف آن) یک دانش ابزاری و پایه است که بسیاری از علوم دیگر مانند تعلیم و تربیت علم کلام جامعه شناسی حقوق علم فقه علوم سیاسی و غیره به آن نیازمند است و بدون علم تاریخ اهداف آنها صد در صد تکمیل نمی شود.

علاوه بر نیازمندی این قبیل علوم به علم تاریخ اساسا زندگی اجتماعی و مدنی بشر بسیاری از مواد خوراکی خود را از تاریخ تغذیه می کند کارایی ها و فوائد فراوان علم تاریخ و نقش بنیادین آن در نوع بافت شکل گیری و جهت گیری فکری تربیتی سیاسی و اجتماعی آن چنان ارزشمند و اصولی است که عدم توجه به آن ممکن است نظام صحیح جامعه ای را دچار اختلال نموده و یاز مسیر طبیعی خود خارج گرداند.

اکنون به برخی از [فوائد] و اثرات بنیادین علم تاریخ که بیانگر میزان نقش آن در جامعه نیز هست فهرست و اشاره می کنیم تا هر چه بیشتر با ارزش آن آشنا شویم:

1- پرورش عواطف و استعدادهای انسان:

آموزش و مطالعه تاریخ بویژه سیره نبوی سرگذشت و زندگی نامه های ائمه صلحاء دانشمندان و نوابغ موجب رشد و شکوفایی استعدادهای نهفته افراد و پرورش و تهذیب عواطف و اخلاق انسان می گردد. در واقع تربیت افراد و ایجاد توان و طرافیت و کارایی بیشتر در فهم و منش اشخاص از طریق توسل به علم تاریخ به عنوان آئینه تمام نمای اضداد و کشمکشها و تنازعات و درگیری گرایشهای گوناگون انسانها امکان پذیر است.

چرا که تاریخ دان و آگاه از اخبار پیشینیان بقول امام علی (ع) گو اینکه [با همه ملتها از اول تا آخرین آنها زیسته و جریان امور زندگی شان را شاهد بوده است].

بدیهی است چنین فردی از نظر داشتن ابتکارات آشنائی با بن بستها و راه حل های مختلف و نیز داشتن شرح صدر و آگاهیهای چند جانبه نسبت به امور واقعگرائی و انعطاف پذیری منطقی و دوراندیشی دارای میزان فوق العاده از رشد و کمال است.

چنانکه لذت روحی که انسان از مطالعه تاریخ می برد و از آن طریق روح خود را فرحناک و شادمان می گرداند از مطالعه هیچ چیز جز رمانها و داستانهای خیالی و افسانه ای برای او حاصل نمی شود باین تفاوت که رمانهای خیالی و غیر متکی بر واقعیات آثار خارجی وقایع محقق الوقوع تاریخی را دارا نمی باشند!

به این نوع نقش علم تاریخ در پرورش منش افراد دانشمندان علوم انسانی غرب نیز پی برده اند لذا در نوشته های خود بکارگیری تاریخ را در تربیت افراد توصیه می کنند. [البته روشن است که نظام فرهنگی و اجتماعی غرب با توجه به انحرافات اصولی که در مبانی فکری خود و نیز آموزش علوم نظامی و انسانی دارد و این نوع دانشها را در خدمت تخریب توده های جهان به کار می گیرد بهره برداری اواز نقش تربیتی نیز هماهنگ بااصول خود معکوس هدف اسلامی ما خواهد بود

الگوسازی:

خاصیت دیگر تاریخ انسان اینست که [الگوساز] است. یعنی هم برای نمایش چهره کاملترین انسانها و هم برای نمایش چهره پست ترین و زشتخوترین انسانها نمونه مدل و الگو دارد.

سطر سطر صفحات کتابهای تاریخی گویا نمایشگاه مجسم و زنده ای است از انواع چهره ها و شیوه های متضاد زندگی الهی و شیطانی. در این نمایشگاه هم می توان چهره ملکوتی مانند امام حسین [ع] نمونه ممتاز ایثار و فداکاری و انسانیت را سراغ گرفت و هم موجودانسان نمای مسخ شده و پستی همچون [یزیدبن معاویه] و امثال وافران او را. هم چهره الهی عیسی بن مریم در آن خودنمایی می کند و هم [قیصر] قصرنشین و خودکامه و قصاب انسانها. در هیچ دانش دیگری نمی توان نمونه های برجسته و مشخص قداست و انسانیت و قیافه های زشت و تهوع آور شیطننت را اینگونه متمایز و مشخص مشاهده کرد.

بنابراین انسان بدون مراجعه به دانش تاریخ در حوزه فردی و اجتماعی نمونه والگوئی برای زندگی ندارد.

زندگی اجتماعی انسان جدا از گذشته و آینده یعنی بصورت مجزا و بریده از تاریخ همچون آب دست ریزی در قلب سوزان کویر است که از نظر ادامه حیات نه تنها ناموافق بلکه ابتر و محکوم به مرگ می باشد.

3- ارائه نجارب فکری سیاسی و افزایش توان تحلیل مسائل :

همانگونه که قرآن مجید اشاره دارد و علی [ع] نیز ضمن وصیت خود به فرزندش حسن [ع] به آن تصریح می کند تاریخ فایده مهم دیگری نیز دارد.

و آن اینکه تاریخ تجارت همه ملت های گذشته را در همه ابعاد و زمینه های زندگی و عوامل و موجبات رشد و تنزل و سقوط جوامع بشری در اختیار آیندگان قرار می دهد.

با توجه به همین خصوصیت تاریخ است که گفته می شود مورخ و تاریخ شناس عمری به قدمت همه اقوام و ملت های گذشته پیدا می کند چرا که چکیده و غربال شده مطالب مربوط به آنان را در اختیار می گیرد. از این طریق نه تنها زمینه های رشد شخصیت فردی او فراهم می آید بلکه به مجموعه ای از آگاهیهای ارگانیک دست پیدا می کند که او را با ابعاد مختلف وجود تکوینی انسان آشنا ساخته توان تحلیلش را در مسائل پیچیده روز افزایش می دهد.

بهمین دلیل است که می بینیم در طول تاریخ همه سیاستمداران برجسته (اعم از سیاستمداران موحد و الهی و مشرک و شیطانی) و مربیان ماهر دربارها به این دانش با چشم ابزار مناسب برای تحصیل آگاهیهای سیاسی و بسط قدرت و حکومت خود می نگرسته اند.

از این روست که امیرالمومنین [ع] چکیده اطلاعات تاریخی خود را به عنوان [وصیت نامه] در اختیار فرزند خود حسن [ع] قرار می دهد و او را به کاوش تاریخ و عبرت آموزی از سرگذشت گذشتگان فرا می خواند. و به موازات بهره برداری تربیتی پاکان از تاریخ امراء و حکام خودکامه و جاه طلب حاکم بر سرنوشت مسلمین در طول قرون پیشین نیز در جهت اهداف خاص خوداز تمسک بان عفلت نمی ورزیده اند. و در این زمینه روایات تاریخی موبد ماست :

[در سرزمینهای مسلمین امراء و حکام فرزندان خود را با استفاده از آموزشهای معارف تاریخی پرورش می دادند. آنان از نزدیکان و کسان خویش افراد جاه طلب و بلند پرواز مورد نظرشان را به آموزش تاریخ و پژوهش در سیره و تجارب ملت های گذشته تشویق می کردند. بگونه ای که آموزش تاریخ بهترین وسیله بود برای کسانی که می خواستند حکمت یاسی بیاموزند تا در

آینده به مناصب حکومتی برسند. و ... چنانکه گزارش شده خلفای عباسی برای تربیت سیاسی فرزندان خوداز دانش تاریخ استفاده می کردند.]

شخصی بنام صولی که مربی فرزندان مقتدر عباسی بود به دو بچه او هارون واحمد (الراضی) در کنار فقه و شعر اخبار و تاریخ نیز یاد می داده است. 14

بطور کلی چنانکه [صولی] در کتاب خود گفته است :

[اصولا دانش حکام و پادشاهان عبارت بوداز آموزش انساب تاریخ و فشرده فقه] . 15

در مورد کیفیت زندگی شخصی معاویه بن ابی سفیان و هارون الرشید در دوران حاکمیتشان و میزان بهره برداری آنان از تجارب تاریخی نقل شده است :

[آنان معاویه و هارون بخشی از اوقات شبانه خود را بطور منظم اختصاص داده بودند به گوش فر دادن به قرائت کتابهایی در زمینه زندگی امراء و پادشاهان تاریخ جنگها شیوه ها و حيله های گوناگون آنان افراد ویژه ای را برای تهیه و قرائت این گونه کتابها مامور کرده بودند]. 16

خلفای فاطمی مصر نیز به آموزش تاریخ و گردآوری و نگهداری کتابهای ارزنده تاریخی اهمیت می داده اند چنانکه بگونه مبالغه آمیز روایت شده است :

در کتابخانه فاطمینان هزاران مجلد کتاب موجود بود که از آن میان بکهار دوست و بیست نسخه به نسخه های تاریخ طبری اختصاصی داشت . 17

در عصر کنونی نیز سلطه جویان جهانی بویژه در باختر زمین و روسیه شوروی مدتهاست به این مسئله پی برده اند که با استفاده از تاریخ و تاریخنگاری به خوبی می توانند در افراد و جوامع نفوذ فرهنگی و سیاسی برقرار کرده و در بیرون و درون مرزها به تسلط جابرانه خود ادامه دهند .

یکی از مورخین انگلیس بنام پروفیسور [ف . ج . س . هرنشو] در این باره می نویسد:

[در بزرگترین کشورهای جهان سران امر آموزش تاریخ را مهم تلقی می کنند لذا کوشش دارند برنامه های تدریس تاریخ مدارس معلمین و استادان آنها را تحت نظر خود داشته باشند تا بگونه ای که خود می خواهند معارف تاریخی آموزش داده شود]. 18

آنگاه ایشان نمونه ای از فرانسه پیش از جنگ جهانی اول را می آورد و نشان می دهد که چگونه از طریق آموزش تاریخ برای تثبیت پایه های رژیم سلطنتی در فرانسه کوشش می شد.

در طول تاریخ همانگونه از معارف تاریخی به منظور بالا بردن سطح فکر افراد تحصیل تجارب سیاسی و فکری و تلقین خط فکری فرهنگی و سیاسی ویژه در جامعه استفاده می شده از [تحریم آموزش و مطالعه تاریخ] نیز برای غافل نگه داشتن جماعتها و ملل و افراد بویژه افراد صاحب نفوذ و موثراستفاده بعمل می آمده است و می آید در واقع از طریق تحریم تاریخ و بیگانه ساختن گروه ها و افراد با حوادث و تجارت تاریخی خود و دیگران [حافظه تاریخی] آنان را دچار بیهوشی و فلج زدگی می ساختند.

از این نمونه ها گزارش جالب و تکان دهنده ای است که مورخ معروف [ابن طقطقی] درباره خلیفه عباسی بنام [المکتفی] و وزیر زیرک و حيله گر او گزارش کرده است او می گوید:

[در زمانهای گذشته وزیر آن دوست نداشتند که حکام و پادشاهان بر چیزی از زندگینامه و تواریخ آگاهی پیدا کنند چون می ترسیدند پادشاهان نسبت به اموری حساس و تیزهوش شوند که وزرا دوست نداشتند آن را.

چنانکه خلیفه المکتفی از وزیر خود درخواست نمود شماری کتاب برای او فراهم آورد تا بدان وسیله خود را مشغول داشته و زمان را بگذراند. وزیر به خدمتگذاران دستور داد این کتابها را تهیه کرده و پیش از ارائه کردن آنها به خلیفه از نظر وزیر گذرانند.

آنان شماری کتاب در زمینه تاریخ و اخبار گذشتگان فراهم آوردند که در آنها اخبار مربوط به برخی پادشاهان وزرا و شیوه محاسبه صورت حساب اموال و غیره نوشته شده بود.

آنگاه که وزیر آن کتابها را دید گفت: بخدا سوگند که شماها دشمن ترین مردم برای من هستید من به شما گفتم کتابهایی فراهم آورید که خلیفه را مشغول کند تا کاری به کار ما و دیگران نداشته باشد اما شما چیزهایی را فراهم آورده اید که به او شگردهای وزیران را یاد می دهد و محاسبه اموال را می آموزد و باو مطالبی که از آن طریق بتواند آبادی کشور راز و برانی و آشفتگی آن باز بشناسد.

اینها را باز پس بدهید به کسی که از او خریدند و برای خلیفه کتابهایی را تهیه کنید که در آن داستانهای مشغول کننده و اشعاری عاشقانه و طرب انگیز وجود داشته باشد]. 19

در عصر حاضر مستکبرین جهانی درست به همین دلیلی که وزیر خلیفه المکتفی با مطالعه و آموزش تاریخی او مخالف بوده با رواج و تحصیل و تدریس تاریخ درست و عاری از تحریف و خارج از چارچوب برنامه های استعماری آنان در سرزمینهای اسلامی و کلیت هان سوم مخالف می باشند.

چون آنان تحصیل عمل تاریخ بویژه تاریخ اسلام و سیره پیامبر و ائمه معصومین را مقدمه پیدایش [خودآگاهی تاریخی] و استقلال بینشی و فرهنگی در میان مسلمین می دانستند.

بدلیل اینکه بقول نویسنده آگاه کتاب [تلفیق الاخبار و]... عمده ترین دلیل فرهنگی و روانی سلطه پذیر بودن مسلمین در برابر بیگانگان در [جهل تاریخی] نسبت به استقلال و افتخارات اسلامی دیروز آنان خلاصه می شود. 20 اکنون اثرات فرهنگی - سیاسی ویرانگر این سیره [سینه] و شوم استعمار در همه سرزمینهای اسلامی به روشنی قابل لمس و درک می باشد.

آنان از این رهگذر توانسته اند ما دراصل و واقعی ملتهای مسلمان را که همان [اسلام] باشد از یاد آنان ببرند و از صفحه ذهنشان محو نمایند و در عوض [دایه های] دروغینی را بنام مادر بر آنان تحمیل و معرفی کنند که پناه بردن بدانها معنایی به جز خودکشی ندارد.

2- ضرورت آموزش تاریخ در حوزه های علمیه :

با توجه به مطالبی که درباره کارائی و فوائد حیایت علم تاریخ گفته شد ضرورت تدریس و تحصیل آن در حوزه های علمیه بروشنی آشکار می گردد. یادآوری این نکته ظریف نیز لازم به نظر می رسد که وقتی می گوئیم [علم تاریخ] باید تدریس و تحصیل شود منظور همه شاخه ها و شعبه های اساسی آن می باشد.

[علم تاریخ] در درجه اول به دو بخش [مسائل نظری تاریخ] و [تاریخننگاری] تقسیم می شود که در بخش نخست مسائل فلسفی تاریخ و نیز نقد تاریخی و نقد مکتبهای تاریخی مورد بحث قرار می گیرد چنانکه جای بررسی و نقد انواع اسلوبهای تاریخننگاری نیز در همین بخش قرار دارد.

بخش دوم یعنی [تاریخننگاری] که خود در واقع از مقوله ادبیات و هنر می باشد به ضبط و گزارش و پردازش وقایع و حوادث تاریخی اختصاص دارد. که خود بخش اخیر نیز در دیگاه ما به قسمتهای متمایزی مانند زندگینامه نویسی خاطره نویسی و تاریخ نویسی و... تقسیم می گردد. مهمتر از همه اینکه [تاریخننگاری] با همه شاخه ها و شعبه های خود یا به عالم اسلام اختصاص دارد که [تاریخ اسلام] نامیده می شود و یا منحصر به جهان اسلام و حوادث مربوط به مسلمین نمی باشد بلکه موضوع آن حوادث و امور جاری و حادث در تمام جهان و کره زمین است که در این صورت آن را اصطلاحاً [تاریخ عمومی] می نامند.

وقتی گفته می شود تدریس و تحصیل تاریخ در حوزه های علمیه ضرورت دارد هم مسائل نظری تاریخ منظور است و هم تاریخ اسلام و هم تاریخ عمومی و از نظر ضرورت نمی توان میان آنها تفکیک قائل بود به جز این دیدگاه که گفته شود آموزش تاریخ اسلام به عنوان بخشی از سنت و یکی از منابع فقه بر فقهاء اسلام و نیز خطباء و واعظ [واجب توصلی عینی] است. در حالیکه آموزش مسائل نظری تاریخ و تاریخ عمومی [واجب کفایی] بر همه مسلمین است.

بنابراین شایسته تر این است که این مسئله را در ذیل دو عنوان جداگانه [ضرورت آموزش تاریخ اسلام] و [ضرورت آموزش تاریخ نظری و تاریخ عمومی] بررسی کنیم :

1- ضرورت آموزش تاریخ اسلام در حوزه ها:

چنانکه توجه دارید [سنت معصومان] بعد از قرآن مجید دومین منبع فقه و احکام اسلامی است . و سنت و حدیث یعنی [سنت گفتاری] آنان منحصر نیست بلکه [سیره] یعنی [سنت کرداری : فعل و تقدیر] آن بزرگواران را نیز در بر می گیرد.

بنابراین فقهاء اسلام همانگونه که وظیفه دارند برای استنباط احکام شرع به احادیث (سنت گفتاری) مراجعه کرده و از آن بهره برداری نمایند موظف می باشند که برای همین منظور بر [سیره] نیز تسلط کامل داشته باشند و این در حالی است که [سیره پیامبر و ائمه معصومین] باضافه زندگینامه اصحاب و روایتگران احادیث (رجال) طبقات فقهاء و سیره منتشره جموعاً تاریخ اسلام نام دارد.

بنابراین وظیفه شرعی فقیه است که جهت استنباط احکام بر تاریخ اسلام مسلط باشد بدون آگاهی از سیره و تاریخ اسلام کسی نمی تواند اجتهاد فقهی کامل و بی دغدغه ای انجام بدهد.

با تأسف باید گفت که در تاریخ دوران اخیر حوزه های علمیه علماء و طلاب بین سنت گفتاری (حدیث) و سنت کرداری (سیره و تاریخ اسلام) تفکیک نموده و در مقام اجتهاد و استنباط احکام دومی را عملاً نادیده انگاشته اند و از این طریق ضربه جبران ناپذیری بر روند اجتهاد وارد شده است .

اکنون زمان آن است که جلوان کجروی گرفته شود و تنها راه عملی جلوگیری از این کجروی الزامی و رسمی کردن تدریس تحصیل تاریخ اسلام با همه شاخه ها و ابعاد آن در حوزه های علمیه می باشد.

فقیه باید آگاهی تفصیلی از تاریخ اسلام (سیره) داشته باشد و آن را یکی از علوم ابزاری و پایه اجتهاد فقهی تلقی کند.

در این میان عذر تراشی از این قماش که اسناد روایتی این قبیل گزارشهای تاریخی چندان مهذب و موثق نیست نمی تواند رفع تکلیف شرعی کند چون بدون پرداختن به سیره و تاریخ اسلام که نمی توان گفت این مسائل خودبخود از طریق معجزه حل شود. باید تعدادی در این فن خبره شوند تا مطلب و اسناد آنها را با بررسی دقیق علمی مهذب نمایند.

تدریس و تحصیل سیره و تاریخ اسلام در حوزه های علمیه [فرض] و تکلیف است در حالیکه در فرهنگ و بینش کنونی حوزه ها آن را [فضل] می شمارند!

در عصر حاضر مسائل زیربنایی و حیاتی مانند سیره و تاریخ اسلام و طبقات رجال قریباً تورم بیش از حد علم اصول ه فقه و تقنن طلبی افراد در این دانش مقدماتی گردیده است . عکس العمل چنین افراط و تفریطی پیدایش تفرکات و مکاتب انحرافی و گمراهی از نوع [اخباریگری] خواهد بود.

همینطوریکه تحصیل تاریخ اسلام بر فقهاء فرض است برای خطیبان و اعطان نویسندگان و مبلغان مذهبی نیز فرض می باشد چون اینها چگونه می توانند اسلامی را که از گذشته ها و شناسنامه تاریخی آن خبر ندارند تبلیغ و ترویج کنند؟!

یکی از عوامل و علل بنیادین موفقیت فقهی و فقیه سترگ و جامع شیعه مرحوم حضرت آیه الله العظمی بروجردی (قدس سره) در گرواطلاعات همه جانبه و دقیق معظم له نسبت به تفسیر و تاریخ اسلام رجال و طبقات روات و بالاخره تاریخ و ادوار فقه بوده است . همین ویژه گی و شیوه است که ایشان را از دیگران ممتاز ساخته است .

استاد گرانقدر شهید مرتضی مطهری [قدس سره] که هشت سال در پای درس آیه الله بروجردی شرکت می کرده درباره روش فقهی ایشان و امتیازات آن که علاوه بر اصول فقه بر پایه تاریخ و رجال نیز استوار بوده است چنین می فرماید:

یکی از مزایای برجسته معظم له آیه الله بروجردی سبک و روش فقهی ایشان بود که شایسته است پیروی شود و فراموش نگردد. اینبنده در مدت هشت سال آخر اقامت در قم که مصادف بود با سالهای اول ورود معظم له به آن شهر از درسهای ایشان بهره مندتر می شدم و چون به روش فقهت ایشان ایمان دارم معتقدم که باید تعقیب و تکمیل شود. آنچه در این گفتار خلاصه می شود کرد مقایسه مختصری است بین روش فقهی ایشان و روش فقهی متاخرین در قرون اخیر و برای این مقصود یک مقدمه کوچک ذکر می کنیم

باید دانست که روش فقهی فقها همه یکسان نبوده اسلوبهایی متفاوت در اجتهاد و فقهت در اسلام پدید آمده است . هم در میان اهل سنت و جماعت روشها و اسلوبهای مختلف بوجود آمده است . و هم در میان خود ما. اسلوب فقهی ما تدریجاً تنوع پیدا کرده و مختلف شده بطوری که به دورهای مختلف تقسیم می گردد. خود معظم له که به تاریخ فقه آشنا بودند و اسلوبهای مختلف فقهی را می شناختند و یکی از مزایا و امتیازات شان همین آشنائی با روشهای مختلف فقهی شیعه و سنی بود فقه را تقریباً به چهار دوره تقسیم می کردند به این ترتیب

1. دوره ماقبل شیخ طوسی .

2. از زمان شیخ طوسی تا قرن دهم که تقریباً مقارن با زمان شهید ثانی است .

3. از زمان شهید ثانی تا یک قرن اخیر.

4. یک قرن اخیر . 22

البته بحث در این مطلب از جنبه نظری که آیا روش متاخرین صحیح است یا نه از حدود این مقاله خارج است . آنچه گفته شد فقط به منظور مقایسه بین روش فقهی شخصیت بزرگی است که موضوع مقاله ماست با روش فقهی که غالب متاخرین دارند. معظم له عملاً این چنین مانند متاخرین نبود.

او همانطوریکه اشاره کردم به تاریخ فقه آشنا بود و سبک فکرهای مختلف قدما و متاخرین را می شناخت و بعضی را تأیید می کرد و نسبت به بعضی انتقاد داشت و آنها را عامل انحراف فقه می دانست .

ثانیاً بر حدیث و رجال تسلط کامل داشت طبقات روات و محدثین را کاملاً می شناخت و خود یک طبقه بندی مخصوصی کرده بود که بی سابقه بود با یک نگاه به سند حدیث اگر خللی در سند آن حدیث وجود داشت درک می کرد.

ثالثاً بر فقه سایر فرق مسلمین و روش و مسلک آنها تا اندازه ای محیط بود کتب حدیث و رجال را می شناخت .

معرفت رجال حدیث شیعه و سنی از یک طرف و اطلاع بر فتاوی و فقه سایر فرق اسلامی از طرف دیگر موجب می شد که گاه اتفاق می افتاد که حدیثی طرح می شد و ابتدا یک معنا و مفهوم از آن به نظر می رسید ولی بعد معظم له تشریح می کرد که این شخصی که این سؤال را از امام کرده اهل فلان شهر یا فلان منطقه بوده و در آنجا مردم تابع فتوای فلان فقیه از فقهای عامه بوده اند و فتوای آن فقیه این بوده است و چون آن شخص در آن محیط بوده و آن فتوا در آن محیط شایع بوده پس ذهن وی مسبوق به چنان سابقه ای بوده پس مقصود وی از سؤال این بوده که سؤال کرده و جواب شنیده است

وقتی معظم له این جهات را که همه مفارقات تاریخی هستند بیان و تشریح می کرد و به اصطلاح روحیه راوی را تحلیل می کرد می دیدیم که معنا و مفهوم سؤال و جواب عوض می شود و شکل دیگری به خود می گیرد.

با قران و تفاسیر آشنائی کامل داشت قران را هر چند به تمامه حافظ نبود اما نیمه حفظ داشت تاریخ اسلامی را دیده و خوانده و آشنا بود. در نتیجه همه اینها جو و محیطی را که آیات قران در آن نازل شده و همچنین جو و محیطی را که اخبار و احادیث در آن صدور یافته و محیطهایی که فقه در آنها تدریجاً رشد کرده و پرورش یافته کاملاً می شناخت و بدیهی است که این جهان بینی بوی روشن بینی خاصی داده بود. و ... 23

به هر حال بدون آشنائی به تاریخ و رجال و زندگینامه ها نمی توان دست به اجتهاد لازم کامل زد. بنابراین برای اینکه کسی بتواند اهل فتوا و استنباط احکام شود لازم است که [معارف تاریخی اسلام] را آموزش ببیند و به مطالعه و بررسی بنشیند. از این میان تحصیل سیره معصومین زندگینامه های راویان حدیث و طبقات آنها تاریخ علم حدیث و علم فقه از بیشترین اهمیت و اولویت برخوردار می باشند. نظام آموزشی که فاقد این مواد درسی باشد مجتهدپرور نخواهد بود.

از اینرو برگرداندگان حوزه علمیه قم و دیگر حوزه هاست که وظیفه شرعی خود را در این مورد انجام بدهند و تاریخ اسلام و دانش رجال را به عنوان درس رسمی و از علوم پایه و مقدمات اجتهاد فقهی بشمار بیاورند.

آموزش صحیح تاریخ اسلام و آنچه در سرنوشت مسلمین نقش اساسی دارد که لازم است در مدارس عمومی و دولتی و موسسات دانشگاه ها نیز نسبت به آموزش آن به فرزندان میهن اسلامی مان کوششهای درست و سازنده به عمل بیاید.

2- ضرورت آموزش تاریخ نظری و عمومی در حوزه ها:

تا اینجا استدلال فشرده و شتابزده ای بود برای اثبات و تبیین ضرورت تدریس و تحصیل رسمی تاریخ اسلام در حوزه های علمیه. اکنون با نتیجه گیری از آن بحث می پردازیم به تبیین ضرورت آموزش تاریخ نظری و تاریخ عمومی تا آن اندازه که در حوزه های علمیه بویژه حوزه قم کفایت شود.

بنظر می رسد که تحصیل این معارف تاریخی در حوزه ها [واجب کفائی] است . مسائل نظری تاریخ و مباحث مربوط به تاریخ عمومی در گذشته چندان اهمیت و ارزش عملی نداشت زیرا که کاربرد آن در صحنه های فرهنگ و سیاسی برای همگان شناخته نبود روی همین اصل است که می بینیم فقیه و عالم زمان شناسی چون شهید ثانی فقط به مباح بودن تعلم آن فتوا می دهد و نه ضرورتش . 24

لکن در حال حاضر وضعیت کاملا تفاوت پیدا کرده و بنابر ضرورت زمان بسیاری از مباحث تبدیل به واجب گردیده اند. از جمله آنها یکی نیز [علم تاریخ و تاریخنگاری] است .

بخش غیر مختص بااسلام علم تاریخ یعنی مسائل فلسفی و نظر تاریخ و تاریخ جهان اکنون یکی از ابزارهای برنده و پر کاربرد سردمداران کفر جهانی در به زیر ستم کشیدن ملتها گمراه سازی افکار آنان و مقابله بااسلام است .

بهمین دلیل است که انواع مختلف موسسات و آگادمی های ایران شناسی عرب شناسی و اسلامی شناسی و ... در غرب و روسیه شوروی بوجود آمده و صدها پژوهشگر به نام [خاورشناس] مشغول تحقیق در تاریخ ملت های مشرق زمین و بویژه مسلمین می باشند.

اکنون بلوک غرب و نظام چپاولگر سرمایه داری از طریق معارفی همچون تاریخ و تاریخنگاری است که در جهان سوم تلقین ایدئولوژی می کنند و زمینه سلطه خود را آماده می سازند.

چنانکه بلوک شرق و سردمداران ملحد و ماده پرست آن نیز با منطق شیطانی و باطل و به ظاهر آراسته و سحرگونه ای بنام [مادیت تاریخی] ماتریالیسم تاریخی است که به جنگ فرهنگی اسلام و بینش وحی و خداپرستی آمده است و بر پایه چنین شگردهای است که کتابهای مغرضانه و پراز کینه ای همچون [اسلام در ایران] پطروشفسکی را برای رد ریشه ای دین اسلام می نویسند و ترجمه و نشر می دهند و جوانان ناآگاه و مسلمان را از این طریق است که تا عمق پرتگاه خطرناک [ارتداد] و مارکسیست شدن سوق می دهند. آنان چینی وانمود می کنند که [علم تاریخ] در دست آنهاست و تاریخ صحیح را فقط آنان بلدند بنویسند!! .

آیا برای مقابله ریشه ای بااین سحر زمانه ما حوزه های علمیه اسلام و علماء و روحانیون اسلام و تشیع نباید یک فکر بنیادین و ریشه ای بیاندیشند؟ و آیا نباید و واجب نیست که شماری از دانشمندان و طلاب فاضل و اسلام شناس را به اسلحه علم تاریخ و فلسفه تاریخ مجهز و مسلح کرده به جنگ و مقابله این جادوگران دروغگوی زمانه مان بفرستیم تا بدینوسیله سحرشان را باطل ساخته و اهداف پشت پرده آنان را افشا و رسوا نمائیم ؟

آیا بنظر شما راه از بین بردن زمینه انحراف و ارتداد برخی از جوانان ناآگاه و معصوم میهن اسلامی نه تنها در ایران بلکه در همه سرزمینهای گسترده جهان اسلام این نیست که اصالت تاریخی اسلام را بثبوت رسانده و دروغ بودن دیدگاه [مادیت تاریخ] را بنمایانیم ؟ و آیا این کار بجزاز طریق آشنا شدن دقیق و در حد تخصص با علم تاریخ میسر می شود؟ آیا در وضعیتی که مستکبرین جهانی از علم تاریخ بمنظور تحریف حقایق و تخریب فکری عقیدتی و فرهنگی مسلمین و مردمان جهان بهره برداری می کنند وظیفه شرعی حوزه های حد [واجب کفائی] نیست که خود را مسلح به این اسلحه نموده و دشمنان خداپرستی و انسانیت را خلع سلاح نماید؟

شما با یک مراجعه تند و گذرا به کتاب [فرهنگ خاورشناسان] شمار و میزان فعالیت کسانی را که بنام مستشرق و خاورشناسی درباره تاریخ ایران و اسلام کار کرده و می کنند را ملاحظه کنید تا خود شگفتزده گردید. 25

و نیز با یک نظراجمالی در فهرست عناوین کتب تاریخی تالیف و ترجمه شده در یکصد ساله اخیر می توان به حجم فعالیت فرهنگی استعمارگران و عوامل بومی آنها در این زمینه پی برد. که در مقابل آنها کتب تاریخی که با دیدگاه اسلامی نوشته شده باشد تقریبا در حد صفر است !

بلوک شرق که مروج بینش الحاد و خدا ستیزی می باشد در شصت سال اخیر ده ها موسسه و آکادمی و دانشکده ایران شناسی و اسلام شناسی در جمهوریهای خود بوجود آورده تا از این طریق رمز و شیوه تحریف ایدئولوژی و تاریخ اسلام فرا گرفته و نشر دهند.

از طریق همین دانشکده ها و موسسات صدها کتاب رساله جزوه و مقاله درباره تاریخ اسلام و اقوام مسلمان با اعمال بیشن ضد خدائی مارکسیسم نوشته و نشر یافته و بزبانهای زنده جهان نیز ترجمه شده است . برای اینکه بااین واقعیت بطور ملموس آشنا

شود لازم است که کتاب [ایران شناسی در شوری] را - بویژه مقاله دوم و سوم آن را - مطالعه کنید تا گوشه ای از حج انبوه کار تاریخی مارکسیستها فقط درباره اسلام و مسلمانان ایران را ببینید! 26

آیا با توجه به این حقایق باز هم می توان در این زمان به [مباح] بودن مطالعه و آموزشهای تاریخی فتوا و نظر داد؟ یابینکه باید صریح و آشکارا گفت: تحصیل معارف تاریخی در حد رفع کفایت برای حوزه های علمیه واجب می باشد.

آیا در صورتیکه حوزه های علمیه با بسیج امکانات خود می توانند تاریخدان متخصص تربیت کرده و باین سموم فکری و عقیدتی مقابله کنند این کار را انجام ندهند گناه ناآگاهی که از طریق مطالعه این نوع کتابها گمراه گردیده و [مرتد] می شوند بر عهده چه کسی است؟

ممکن است گفته شود: راه حل آن جمع آوری این قبیل کتابهای گمراه کننده جلوگیری از نشر و پخش آنهاست. لکن عقل سلیم می گوید: این شیوه راه حل اساسی نیست مانند اینست که کسی بخواهد با ریختن چند مشت خاک لجن زار ژرف و بزرگی را بخشکاند. آیا این کار عملی است؟

تولید و پخش این مفاسد فکری و فرهنگی در ایران و جهان اسلام نیست که بتوان با آنها مقابله فیزیکی کرد مرکز اصلی آن در واشنگتن لندن لیدن مسکو و تاشکنداست.

بنابراین باید ما به دانش و منطقی مسلح شویم که بتوانیم جادوی پر زرق و برق و بی اساس آنان را با ارائه حقایق ابطال کنیم و آن راه منحصر به فرد نیز آشنایی با عقیده اسلام و رسمیت بخشیدن به [تدریس و تحصیل علم تاریخ در حوزه های علمیه] می باشد.

مراجع

پاورقی ها

1. ر.ک: قرآن آل عمران 13. یوسف 111. نحل 66 و...
2. ر.ک: قرآن اعراف 137. اسراء 16. فرقان 36. انعام 43 و...
3. سوره قمر 3. 4.
4. سوره روم 08/
5. قال علی (ع): استدل علی ما لم یکن بماقد کان فان الامور اشباه ولا تکون ممسن لان تنفق العظه الا اذا بالغت فی ایلامه فان العاقل یعتظ بالادب والبهايم لا تتعظالا بالضرب. نهج البلاغه فیض 926.
6. ای بنی انی وان لم اکن عمرت عمر من کان قبلی فقد نظرت فی اعمالهم و فکرت فی اخبارهم و سرت فی آثارهم حتی عدت کاحدهم بل کانی بمانتهی الی من امورهم قد عمرت مع اولهم الی آخر هم فعرفت صفو ذالک من کذره و نفعه من ضرره فاستخلصت لک من کل امر نخيله و توخیت لل جميله و صرفت عنک مجهوله. نهج البلاغه فیض 904.
7. غرر الحکم 17.
8. مرحوم شهید ثانی در کتاب ارزشمند منیته المرید که توسط دکتر محمدباقر حجتی به گونه بسیار جالب بنام [آداب تعلیم و تعلم در اسلام] به فارسی ترجمه شده و نشر یافته است در تعیین مراتب علوم مختلف می فرماید:

[برخی از علوم از لحاظ تعلیم و تعلم - مباح است یعنی تحصیل و عدم تحصیل آنها مساوی است نه مطلوب است و نه نامطلوب مانند شناخت تواریخ و رویدادهای مربوط به گذشته و اشعاری که از یاهه گوئی ها و غزلسرائیها عاری است و موجب اتلاف عمر نمی باشد و نیز مطالب واجب و الزام آور در آنها مطرح نشده باشند از قبیل اشعار عربی [عاریه] و قصاید اصیل در زبان عربی که شایسته احتجاج و استشهاد در مورد عبارات کتاب و سنت می باشد. و]... آداب تعلیم و تعلم در اسلام 542 دفتر نشر فرهنگ اسلامی چاپ اول

البته خوانندگان محترم نیز توجه دارند همانگونه که از متن نقل شده نیز بدست می آید تاریخ اسلام سیره و رجال و طبقات روایت منظور نظر شهید نمی باشد منظور او فقط تاریخ عمومی است . برای اینکه شهید در جای دیگر از همان کتاب مثل همه فقهاء اسلام تحت عنوان [علم حدیث] آگاهی از قول عل و تقریر معصومین [ع] را که همان تاریخ اسلام بعد از دانش قرآن شناسی شریف ترین دانشها بر شمرده و تعلم آن را لازم دانسته است .

البته و سنت می باشد. و... آداب تعلیم و تعلم در اسلام . 542 دفتر نشر فرهنگ اسلامی چاپ اول . رک آداب تعلیم و تعلم در اسلام . 526.

9. از سخنان امام روح الله الخمینی در 21 شعبان 1398 ق و 5 تیرماه 1357 ه. ش . نقل از کتاب نهضت امام خمینی ج 2. صفحه هفت چاپ اول سید حمیدزیرتی .

10. همان مدرک صفحه نه .

11. همان مدرک صفحه نوزده .

12. رک : الغدیر ج 3. چاپ سوم اعلمی بیروت . تحت عنوان [. التاريخ الصحيح] .

13. رک : علم التاريخ . 155 ببعده تألیف پروفیسور هر نشو تعریب عبدالحمیدالعبادی چاپ مصر .

14. علم التاريخ عندالمسلمین . 69 70 فرانس روزنتال تعریب دکتر صالح احمدالعی چاپ بیروت موسسه الرساله بنقل از این النجار در ذیل تاریخ بغداد مخطوط پاریس و مقبس تاریخ معتضد چاپ افسس قاهره . (نقل به تلخیص) .

15. همان مدرک 71 بنقل از کتاب [: اخبارالراضی والتمقی بالله] صولی صفحه 25 چاپ دن و افسس قاهره در سال 1935 میلادی .

16. همان مدرک 72 73 (نقل به تلخیص) .

17. همان مدرک 73 بنقل از البدایه ان کثیر ج 12. 266 حوادث سال 567 ه .

18. علم التاريخ . 160 پروفیسور هر نشو تعریب عبدالحمیدالعاد چاپ مصر .

19. الفخری 5 از این طقطقی چاپ گوته علم التاريخ علم التاريخ عندالمسلمین . 75.

20. به مقدمه کتاب پرارج [تلفیق الاخبار و تنقیح الاثار فی وقایع قزان و بلغار و ملوک انتتار] از [م . م . الرمزی] چاپ اورنیورگ افسس ایران در سال 1355 ه. ش مراجعه شود. او در مقدمه کتاب خود ضمن بررسی علل تمکین سیاسی ملل مسلمان آسیای مرکزی به روسها مطالب مفیدی را در این زمینه مطرح کرده است .

22. تکامل اجتماعی انسان . 196 شهید مطهری انتشارات صدرا چاپ اول بهمن 1363 (مقاله پیوستی مزایا و خدمات آیه الله بروجردی) .

23. همان مدرک 201. 23.

24. به زیرنویس شماره 8 همین مقاله مراجعه شود.

25. فرهنگ خاورشناسان نوشته ابوالقاسم سحاب چاپ (موسسه جغرافیائی و کارتوگرافی سحاب) نشریه شماره 3008.

26. ایرانشناسی در شوروی نوشته اب . ب . پطروشفسکی ای . ام ارانسکی ترجمه یعقوب آژند تهران انتشارات نیلوفر زمستان 1359 ه. ش .

لازم به یادآوری است که مترجم محترم این کتاب متأسفانه هیچگونه مقدمه ارشادی که بتواند خواننده مبتدی را راهنما بوده و زهرهای ایدئولوژیک انحرافی نویسندگان را خنثی ساخته و جهت گیری وانگیزه های سیاسی روسها را که در قالب کار تاریخی

و فرهنگی ارائه می شود را تبیین کند ارائه نداده است . در حالیکه از مترجمین مسلمان و متعهد و نیز علم گرا این انتظار کاملا بجا و منطقی است . و این عیب اغلب مترجمین فارسی از جمله مترجم محترم یاد شده است .

27. البته جای خوشوقتی است که پایه های اولیه رسمیت یافتن تاریخ در حوزه ها به عنوان یک رشته تخصصی با پیشنهاد و امر آیت الله العظمی منتظری نهاده شده است . چون رشته تاریخ یکی از رشته های مدرسه تخصصی حوزه علمیه قم است که به امرایشان تاسیس شده است و اکنون مراحل نمو خود را می گذراند.